

خطاب به طلاب حوزه‌های علمیه

در نجف اشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین



سید أحمد الحسن عليه السلام

وصی و رسول امام مهدی عليه السلام

۸ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ. ق

ترجمه فارسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله على بلاءه وعظيم نعماءه

حمد و سپاس خداوند بر بلایا و نعمت‌های عظیمش: (وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَیْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ)؛ «و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می‌دهید که خدا هلاکشان خواهد کرد یا به عذابی دردناک مبتلا خواهد ساخت؟ گفتند: تا ما را نزد پروردگارتان عذری باشد. و باشد که پرهیزگار شوند. * اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) آنان که از بدی پرهیز می‌کردند نجات دادیم و ستمکاران را به سبب نافرمانیشان به عذابی سخت فرو گرفتیم».^(۱)

خطاب به طلبه‌های حوزه‌های علمیه نجف اشرف و در قم و در کلیه نقاط زمین؛ با خود منصف باشید و با قلب‌هایتان به حکمت معطوف شوید، و سخنان مرا با انصاف تدبیر کنید، و صله رحم محمد (ص) را قطع نکنید، زیرا که به عرش الهی متصل است و می‌گوید: (پروردگارا هر که با من وصلت کرد با او وصلت کن، و هر که با من قطع رابطه کرد با او قطع رابطه کن).

به کدام یک از ثقلین تمسک جستید: به قرآن یا به عترت؟! آیا از خود پرسیده‌اید؟ اما قرآن، شما آن را پشت سر خود نهادید و آن را به عنوان بی ارزش‌ترین چیزها در میزان خود قرار دادید. و اما عترت، حکمت یمانی آنها را دور انداختید و روایات ربانی آنها را مانند غباری که هوا آن را پراکنده کرده آنها را پراکنده کردید. و هر آنچه موافق هوای نفس شما بود پذیرفتید، هر چند که راویان آن کم بودند. و آنچه مخالف هوای نفس شما بود، هر چند که از آنها (ع) به حد تواتر رسید، رد کردید. می‌گویید: روایاتی که مرا توصیف کرده‌اند، حجت نیستند. و وصیت رسول خدا (ص) به ائمه و به من و مهدیین حجت نیست. و معرفت قرآن و راه‌های آسمانی حجت نیستند. حضرت محمد (ص) و قرآن و عترت در میزان شما چقدر بی‌ارزش و در عقلهای شما چقدر بی‌اهمیت، هستند. حق را به شما می‌گوییم: در تورات نوشته شده: (توکل علی بکل قلبک ولا تعتمد علی فهمک، فی کل طریق إعرفنی، وأنا أقوم سبیلک، لا تحسب نفسک حکیمًا، إکرمتی وأدب نفسک بقولی)؛ «بر من با تمام وجودت توکل کن، و بر فهم خود اعتماد نکن، به هر طریقی مرا بشناس، و من راه تو را استوار می‌کنم، خود را حکیم حساب نکن، به من احترام بگذار و با سخنانم، خود را ادب

نما». (۲) و در قرآن: **(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)**؛ «وکسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است». (۳)

شما می‌گویید شهادت دو نفر عادل را قبول داریم؛ در حالی که این خداست که برای من شهادت می‌دهد، و محمد (ص) نیز شهادت می‌دهد، و علی امیرالمومنین (ع) نیز شهادت می‌دهد، و فاطمه زهرا (ع) شهادت می‌دهد، و حسن (ع) برایم شهادت می‌دهد و حسین (ع) برایم شهادت می‌دهد، و علی بن حسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد (علیهم السلام) به وسیله صدها رؤیا که مؤمنان دیده‌اند، برای من شهادت می‌دهند. آیا شهادت آنها و سخن آنها و نصایح آنها را قبول ندارید؟ آیا به شما خبر نداده‌اند که بر صاحب حق جمع می‌شوند، هنگامی که بیاید؟ و فرمودند (ع): **(فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ)**؛ «اگر دیدید که بر مردی اجتماع کردیم، با تمام سلاحتان (با آنچه در توان دارید) به سوی ما بشتابید؟». (۴)

می‌گویید که شیطان به صورت رسول خدا محمد (ص) ظاهر می‌شود: **(لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِدّاً * تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدّاً)**؛ «واقعاً چیز زشتی را بر زبان آوردید * چیزی نمانده که آسمان‌ها از این سخن بشکافند و زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند». (۵) در حالی که خداوند می‌فرماید: **(وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيلُونَ)**؛ «و شیاطین آن را فرود نیاورده‌اند * و آنان را سزاوار نیست و نمی‌توانند وحی کنند». (۶) پس اگر شیطان (لعنه الله) نمی‌تواند حتی حرفی از قرآن به زبان خود بیاورد، چگونه به صورت محمد (ص) ظاهر می‌شود؟ در صورتی که محمد (ص) کل قرآن است. **(قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)**؛ «بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می‌دانید کیست آنکه او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود». (۷) چه کسی ملکوت آسمان‌ها و زمین به دست اوست؟ به خدا که انصاف پیشه نکردید، وقتی که ملکوت آسمان‌ها را بدست شیطان سپردید و حرمت رسول خدا (ص) را ارج ننهادید، ولا حول ولا قوة الا بالله العظیم.

مردم را به مسخره می‌گیرید، و به آنها می‌گویید: آیا رسول خدا (ص) را دیده‌اید تا اینکه در رؤیا او را بشناسید؟ سبحان الله، آیا در زمان امام صادق (ع) کسی رسول خدا (ص) را دیده که امام صادق (ع)

۲. کتاب المقدس: سفر الأمثال ۳: ۵-۱۴

۳. العنکبوت: ۶۹

۴. غیبة النعمانی ص ۱۹۷

۵. مریم: ۸۹-۹۰

۶. الشعراء: ۲۱۰-۲۱۱

۷. المؤمنون: ۸۸

می‌فرماید: هر کس بخواهد رسول خدا (ص) را در رؤیا ببیند، اینچنین و اینچنین عمل کند؟ و روایات زیادی در این باره وجود دارد، برای اطلاع بیشتر به کتاب دار السلام، و دیگر کتب احادیث مراجعه کنید. می‌گویید؛ که رؤیا تنها برای صاحبش حجت است، و شهادت انسان مؤمن عادل را رد می‌کنید، کسی که رسول خدا (ص) را در ملکوت آسمانها دیده و شنیده و به او خبر حق را داده است، پس چگونه شهادت وی را درباره آنچه که در این دنیای مادی شنیده و دیده است، قبول می‌کنید که: **(تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى)**: **(در این صورت این تقسیم است نادرست)**.^(۸) در حدیثی از امام حسن عسکری (ع) بعد از اینکه فضل بن حارث در خواب، او را دیده بود و بین آنها سخنانی، ردوبدل شده بود، نقل شده که امام (ع) فرمود: **(إن كلامنا في النوم مثل كلامنا في اليقظة)**: **«کلام و سخن ما در خواب مانند کلام ما در بیداری است»**.^(۹)

آیا رسول خدا (ص) ایمان خالد بن سعید اموی را قبول نکرد چون رؤیا دیده بود؟ آیا رسول خدا (ص) ایمان آن مرد یهودی که در رؤیا موسی بن عمران (ع) را دیده بود، و به او فرمود که محمد (ص) حق است، قبول نکرد؟ آیا امام رضا (ع) ایمان واقفیان را قبول نکرد چون که در رؤیا دیده بودند وی بر حق است؟ آیا امام حسین (ع) ایمان وهب نصرانی را قبول نکرد چون که رؤیا دیده بود؟ آیا نرجس مادر امام مهدی (ع) بوسیله دیدن رؤیا نزد امام حسن عسکری (ع) نیامد؟ آیا ... و آیا ... إنا لله وإنا إليه راجعون؛ دنیا در میزان و ترازو شما چقدر با ارزش و سنگین و ملکوت آسمانها در هوای نفسانی و نظر شما چقدر بی‌ارزش است. احوال امت‌های را که قبل از شما با انبیاء خود (ع) بودند، مطالعه کنید. و یا خود منصف باشید؛ و با قلب‌هایتان به حکمت معطوف شوید.

شما را نصیحت می‌کنم، و به شما هشدار می‌دهم، و صفحه جدیدی از حسین (ع) برای نصیحت شما باز می‌کنم؛ شاید بین شما عاقلی باشد که بر سر عقل آید، و خود را از ورود به آتش جهنم نجات دهد. حسین (ع) فدای عرش خدای سبحان و متعال است. و اگر خون حسین (ع) نبود دین الهی در آخرالزمان باقی نمی‌ماند و از تحقق دور می‌شد. امام حسین (ع) نشان داد که دین الهی بدون خون مقدسش، باقی نمی‌ماند. اگر خون حسین (ع) در کربلا جاری نمی‌شد، تلاش انبیاء و فرستادگان، و تلاش محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه و حسن (ع) به هدر می‌رفت و بقیه ائمه معصومین از فرزندان حسین (ع) توانایی تثبیت قواعد دین الهی و ولایت الهی و حاکمیت خداوند سبحان و متعال را نمی‌توانستند نهادینه کنند. و هر کس

^۸. النجم: ۲۲

^۹. سفینة البحار ج ۱۰ ص ۱۹۹

تلاش کند، از حسین (ع) تنها امامی مقتول بسازد، تا مردم بر وی گریه کنند، وی نیز در ریختن خون حسین (ع) شریک می‌باشد. و او کسی است که تلاش می‌کند حسین (ع) را در این زمان به قتل برساند.

حسین (ع) در کربلا با تمامی شیوه‌های خبیثانه شیطان مواجه شد. حسین (ع) با حاکمانی که بر امت اسلامی مسلط شده بودند و حاکمیت خدا را نقض کردند مواجه شده بود. حسین (ع) با علمای بی‌عمل مواجه شد، علمای همچون: شریح قاضی، شبت بن ربیع، شمر بن ذی الجوشن و امثال‌شان که خطرناک‌ترین مهره‌های جبهه مبارزه بودند. زیرا که با لباس دین آمده بودند، و مردم را گول زده و متوهم ساختند که آنها بر حسین (ع) شمشیر محمد «ص» را به ظلم و تزویر از غلاف بیرون کشیدند. و با دروغ و افتراء به خدا ادعا کردند که نمایندگان دین الهی هستند. در حالی که حسین (ع) خبر آنها را داده بود که شمشیرهایشان را بعد سوگندی که یاد کرده بودند، (بر علیه او) خواهند کشید.

حسین (ع) در کربلا با دنیا و زیورآلات آن رو به رو شد. و هیچ کس دنیا را طلاق نداد و به کاروان انبیاء و مرسلین و کاروان حقیقت و نور نپیوست، مگر عده اندکی که به عهد خدا وفا کردند.

حسین (ع) در کربلا با منیت «أنا» رو به رو شد، و سوار کار این رویارویی بعد از حسین (ع)، و بهترین کسی که در میدان جنگ با آن «آنانیت» رو به رو شد عباس بن علی (ع) بود، آن هنگام که آب را از دست خود به زمین ریخت و به جای آن از قرآن جرعه ای برداشت: **يُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛** «آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند».^(۱۰) و کدامین احتیاج، همچون احتیاج عباس (ع) بود؟ و کدامین ایثار همچون ایثار وی بود؟ آیا ایثار بود؟ یا اینکه به علت ناتوانی کلمات در وصف، آن را ایثار نامیدیم.

همچنین حسین (ع) در کربلا با ابلیس (لعنه الله) دشمن قدیمی بنی آدم روبرو شد. کسی که وعده داده بود همه را از صراط مستقیم گمراه کند و وارد آتش جهنم نماید، و به تحقیق که حسین و یارانش در این مبارزه پیروز شدند.

و اما حاکمان ظالم، حسین (ع) همه آنها را کشت، و باطل بودن حاکمیت مردم را به هر نحو ممکن آشکار ساخت، حال این اتفاق چه به وسیله شورا (انتخابات) بین آنها باشد و چه با برگزیدن از طرف مردم. و حسین (ع) آشکار کرد که حاکمیت برای خداوند می‌باشد چرا که او مالک مُلک است. و این حق اوست که برای مردم حاکم را برگزیند و بر مردم واجب است که بپذیرند، و هر کس انتخاب خداوند را رد کند همچون ابلیس (لعنه الله) از درگاه بندگی خداوند رانده می‌شوند آن هنگامی که بر انتخاب آدم

(ع) بعنوان خلیفه خداوند در زمینش اعتراض کرد و اطاعت و تسلیم در مقابل او را رد کرد پس مواظب باشید که ابلیس با ندایش شما را از راه به در نکند و به بیماری خود بیمارستان نکند. خدای متعال فرمود: **قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**؛ «بگو: بار خدایا، ای پادشاه ملک هستی، تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، هر خیر و نیکی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی». ^(۱۱)

و اما علمای بی عمل؛ حسین (ع) آنها را به خفت و خواری کشاند، و نقاب مقدس نمایی ظاهری را از صورت‌های سیاه و پلیدشان برداشت. ایستادگی حسین (ع) در کربلا میزان حق و عدل و توحید را روشن ساخت، تا هر کس که بخواهد از آن در هر زمان استفاده کند تا بوسیله آن صورت‌های ممسوخ علمای گمراه غیرعامل را از پس آن نقاب‌های مقدس نمای ظاهری، بشناسد.

اما دنیا و متعلقات آن؛ حسین (ع) و یارانش (ع) آنها را طلاق داده و با کاروان حقیقت و نور الهی همراه شدند. و این دومین میزانی است که حسین (ع) با خون مقدسش با عمل و نه با سخن آنها ترسیخ کرد. حسین (ع) با عملش ثابت کرد که دنیا و آخرت متناقض هم دیگرند و هر دو در قلب یک انسان جمع نمی‌شوند. اگر یکی از آنها در قلب جای گرفت دیگری از قلب انسان خارج می‌شود، و اگر انسان به سوی یکی از آنها رفت از دیگری فاصله می‌گیرد. و هر کس خدا و آخرت را بخواهد چاره‌ای جز طلاق دنیا ندارد.

و اما «منیت»؛ کافی است که بگویم بخشیدن نفس آخرین و نهایت بخشش هاست. به تحقیق که «منیت» در کربلا به قتل رسید، آن هم قتالی عظیم و انسانی بر «منیت» در کربلا پیروز شد. پیروزی که میزان عدل الهی را ترسیم نمود، تا به هر صاحب حقی حق او داده شود، لا اله الا الله میزان شهادتی که حسین (ع) و یارانش (ع) با خون خود بر آن شهادت دادند.

و اما ابلیس (لعنه الله)؛ در کربلا حسین (ع) زنجیرهای به دست و پایش زد، و نیزه‌ای در سینه‌اش نهاد که تا کنون از آن مصیبت فجیع که برایش رخ داده در خون خود غوطه ور می‌باشد و ناله سر می‌دهد. تا اینکه قائم در مسجد کوفه گردن او را می‌زند.

حسین (ع) راه را برای دولت عدل الهی آماده ساخت، گویی که حسین (ع) در کربلا ذبح شد تا اینکه قائم از فرزندانش حکومت کند. و گویی که حسین (ع) فدای دولت عدل الهی و مُلک خداوند سبحان و تعالی است: **(وَقَدْ يَنْبَاهُ بِنَبِيٍّ عَظِيمٍ)**؛ «و او را در آزای قربانی بزرگی باز رها نیدیم». ^(۱۲) این گونه است که

^{۱۱}. آل عمران: ۲۶

^{۱۲}. الصافات: ۱۰۷

این فدایی واضح‌ترین علامت‌های راه به سوی خداوند سبحان و تعالی بود، و علمای گمراه و غیرعامل در ادوار گذشت توانای کشتن حسین (ع) و یا محو سنت او را ندارند، و همواره برای هر حق طلبی، مانند پرچمی به اهتزاز در آمده در آسمان خواهد بود.

هیچ ترس و واژه‌ای بر حسین (ع) از صدای این خران نداریم، خدای متعال می‌فرماید: **مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا**؛ «مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند مثل آن خر است که کتاب‌های را حمل می‌کند».^(۱۳) همچنین می‌فرماید: **إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ**؛ «بی‌تردید ناپسندترین صداها صدای خران است».^(۱۴) یا بگو: علمای غیرعاملی که با خود عهد بستند حسین (ع) را دوباره به قتل رسانند. و گفتند: حسین (ع) حاکمیت مردم را تأیید می‌کند. در حالی که ایشان برای نقض حاکمیت مردم و اثبات حاکمیت خداوند سبحان و متعال، بقتل رسید. و با ادعای نمایندگی از او و در عمل گفتند: که حسین (ع) نیز در برابر آمریکا سر می‌نهد. در حالی که ایشان (آبی الضیم) پدر مصایب است، کسی که شمشیر خود را تا آخرین لحظه حیاتش (ع) در برابر ظلم و فساد بالا برد. و همین‌طور گفتند: حسین (ع) آزادی و دمکراسی آمریکا را تأیید می‌کند. در حالی که حسین (ع) بنده خدای سبحان و متعال است و جز بندگی خداوند سبحان و متعال و انجام اوامر و نواهی او (سبحانه و تعالی) چیز دیگری را نمی‌داند. این علمای غیرعامل به حاکمیت خداوند سبحان و تعالی کفر ورزیده و به دمکراسی (دمکراسی آمریکای) ایمان آورده و آن را آزادی خواندند. و حق را به شما می‌گویم: این علمای غیرعامل که آزادی آمریکای و دمکراسی آنرا تأیید می‌کنند آزاده هستند، و اگر بندگان خدا بودند، از خدا خجالت می‌کشیدند. آزادی که حسین (ع) و پدران و فرزندان طاهرش (ع) شناختند همان کفر به بندگی طاغوت و ایمان به بندگی خداوند سبحان و تعالی است. خدای متعال می‌فرماید: **فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى**؛ «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار چنگ زده است».^(۱۵)

با خود منصف باشید و با قلب‌های خود به سوی حکمت متمایل گردید. در کشتن حسین (ع) شرکت نکنید، به سینه نزنید و لباس‌های خود را ندرید و اشک‌های ریا و تزویر از چشم‌هایتان جاری نسازید. برای حسین (ع) عزاداری نکنید تا حسین (ع) را از نو بکشید. و آنچه را که انجام نمی‌دهید، نگویند: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید * نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام

^{۱۳}. الجمعة: ۵

^{۱۴}. لقمان: ۱۹

^{۱۵}. البقرة: ۲۵۶

ندهید».^(۱۶) اگر می‌خواهید برای حسین (ع) عزاداری کنید، روح شما قبل از اجساد شما، باید آن را دریابد و خون شما قبل از اشک‌هایتان برای او بگرید. آیا نمی‌بینید که دنیا پشت کرده و آخرت در حال فرا رسیدن است؟ و شرورترین و فاسدترین و ظالمترین خلق خدا (آمریکای‌ها) و همدستان پلید و کافرشان بر دریا و خشکی سیطره پیدا کرده‌اند: **(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)**؛ «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهای که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشاند شاید باز گردند».^(۱۷) حرمت اسلام نگه داشته نشد، و با اسلام از هر جهتی مبارزه شد، پس دیگر منتظر چه چیزی هستید؟!

اگر با حق و صدق نیت به حسین (ع) می‌گویید: ای کاش با شما بودیم و به سر بلندی بزرگی می‌رسیدیم. آگاه باشید که اکنون حسین (ع) به وسیله فرزندش امام مهدی (ع) بین شما ظاهر شده است، و شما را می‌بیند و مراقب کارهایتان است و اشتیاق پیرویتان را دارد و شما را فرا می‌خواند: «**آیا به ما پشت می‌کنید، و از یاری ما سر باز می‌زنید؟ خدا ما را بس است و نیکو حمایت‌گری است.**» و آیا با اتکا به تقیه به آل محمد (ع) پشت می‌کنید و یا به وسیله ترس یا کمی نفرت و تجهیزات؟ آیا طلوت با کمی نفرت و تجهیزات با سپاه جالوت جنگ نکرد، با اینکه آنها تجهیزات و نفرت زیادی داشتند؟ آیا محمد (ص) در (جنگ) بدر با نفرت و تجهیزات کم جنگ نکرد، و خداوند آنها را یاری نمود؟ و آیا قرآن در گوش‌هایتان ندا نمی‌دهد: **(كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ)**؛ «چه بسیار گروه‌های کوچک که به فرمان خدا، بر گروه‌های بزرگ پیروز شدند! و خداوند، با صابران است».^(۱۸)

ای کسانی که از یاری امام مهدی (ع) شانه خالی می‌کنید، آیا منتظر پیوستن به سپاه سفیانی (لعنه الله) وارث یزید بن معاویه (لعنه الله) بعد از پیوستن به دجال بزرگ (آمریکا) هستید؟ پس در این صورت شما را به آتشی بشارت باد، که هیزم آن: **(النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ)**؛ «مردم و سنگ‌هایی هستند که برای کافران آماده شده است».^(۱۹) چه خواهید گفت، می‌گویید: برای حسین (ع) گریه کردیم و سینه زدیم؟ حسین (ع) این گونه به شما جواب خواهد داد: (شما از کسانی هستید که در ریختن خونم شریک بودید چرا که با فرزندم مهدی جنگ کردید). بعد از این چه خواهد بود، آیا می‌گویید ما بی‌طرف هستیم؟ در این صورت جواب شما این خواهد بود: (خداوند اُمتی را که مصیبت را شنید و به آن راضی شده، لعنت می‌کند). پس هر عاقلی به خود بیاید، چون فرصت‌ها مانند ابر می‌گذرند. اگر شما طالب حق هستید، حسین

^{۱۶}. الصف: ۲-۳

^{۱۷}. الروم: ۴۱

^{۱۸}. البقرة: ۲۴۹

^{۱۹}. البقرة: ۲۴

(ع) در این زمان را یاری دهید و نهراسید: (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ «و اگر مؤمن هستید سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید».^(۲۰) از کسی که جسد را از بین می‌برد نترسید، بلکه از کسی که می‌تواند روح و جسم را با هم در جهنم به هلاکت برساند، بترسید. و اگر نیت شما این است که با حسین (ع) در این زمان پیمان شکنی کنید، و اگر ظلم به خود را برگزیدید به شما هشدار می‌دهم و شما را بر حذر می‌دارم از عذاب خداوند سبحان و تعالی در دنیا و آخرت، و هیچ عذر و بهانه‌ای برای شما باقی نخواهد ماند.

و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، برای تعجیل عذاب و نزول آن دعا نمی‌کنم، هر چند که عذاب را می‌بینم که به شما نزدیک شده و شما را احاطه کرده است؛ بلکه صبر خواهم کرد، حتی اگر خداوند هزار سال هم بخواهد، تا اینکه وقت امری که انجام شدنی است، فرا رسد. و از شما نزد خداوند متعال شکایت نمی‌کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا (ص) خواهد کرد چرا که او به من وصیت کرد و اسم من، نسب من، صفات من را ذکر کرده است. و شکایت شما را پدرانم ائمه (ع) خواهند کرد زیرا که آنها، اسم و نسب و صفات و مسکن من را، ذکر کردند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم (ع) و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و انبیاء خداوند سبحان و متعال و فرستادگانش از شما شکایت خواهند کرد، اشعیا و دانیال و عیسی و یوحنا بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می‌کنید و مرا یاری نمی‌دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید.

خوشا بحال کسی که نفس خود را در راه خدا قربانی کند، خوشا به حال کسی که از گردنه صعب العبور «عقبه» بگذارد، خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد، خوشا به حال غریبان دیوانه نزد اهل زمین، عاقلان نزد اهل آسمان. و من، و از منیت به خدا پناه می‌برم، بنده فقیر مسکین بینوا در میان دستان خداوند هر عاقلی که طالب حقیقت است را دعوت می‌کنم تا تبری به دست گیرد همان طور که ابراهیم (ع) انجام داد و همه بت‌هایی را که غیر از خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرند را نابود سازد، من جمله بت موجود در میان وجود انسان که منیت است.

و بسیار به یاد خدا باش و بدان هر چه بیشتر به یاد خدا باشی از غافلان نخواهی بود. تا اینکه از ولی خدا تبعیت کنی و از ساجدین خواهی بود و کمترین توجه را به دنیا داشته باش و بدان هر چقدر که زهد پیشه کنی، باز هم حریص خواهی بود تا اینکه از گردنه «عقبه» بگذری و خود را از آتش دنیا و آخرت نجات

دهی: (فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا اَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ)؛ «نخواست از گردنه بالا رود * و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست». (۲۱) ابان بن تغلب از ابی عبدالله (ع) روایت می‌کند که: (قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَوْلُهُ: فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، فَقَالَ: مَنْ اَكْرَمَهُ اللهُ بَوْلَايَتِنَا فَقَدْ جَاَزَ الْعَقَبَةَ، وَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مِنْ افْتَحَمَهَا نَجَا. قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: فَهَلَا اُفِيدُكَ حَرْفًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ (عليه السلام): قَوْلُهُ فَكُ رَقَبَةٌ، ثُمَّ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدُ النَّارِ غَيْرِكَ وَاصْحَابِكَ، فَاِنَّ اللّٰهَ فَكٌ رَقَابَتُكُمْ مِنَ النَّارِ بَوْلَايَتِنَا اَهْلُ الْبَيْتِ: «به وی عرض کردم: فدایت شوم معنی: (فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) چیست؟ فرمود: هر کس به وسیله ولایت ما، خداوند او را تکریم کرده باشد از عقبه سالم می‌گذرد، و آن عقبه ما هستیم که هر کس از آن گذشت نجات پیدا کرده است. و سپس بعد از سکوتی فرمود: آیا چیزی به تو پیاموزم که برایت بهتر از دنیا است و آخرت در آن باشد؟ گفتم آری فدایت شوم، فرمود (ع): خداوند می‌فرماید: (فَكُ رَقَبَةٌ) «آزاد کردن گردن خویش». سپس فرمود: مردم همه بندگان آتش هستند، غیر از تو و یارانت زیرا که خداوند شما را به وسیله ولایت ما از آتش دوزخ رهایی بخشیده است». (۲۲)

و عیسی (ع) فرمود: (طوبى لمن لا يعثر بي)؛ «خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد». (۲۳) خود را در میان دستان پروردگار قربانی کن، تا امروز و فردا (قیامت) پیروز گردی و از جامی بنوشی که هرگز بعد از آن تشنه نشوی: (إِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ)؛ «ما به تو چیزی گرانها بخشیدیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!». (۲۴)

امام رضا (ع) فرمود: (سمعت أبي موسى بن جعفر (عليه السلام) يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد (عليه السلام) يقول: سمعت أبي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين (عليه السلام) يقول: سمعت أبي الحسين بن علي (عليه السلام) يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام) يقول: سمعت النبي (صلى الله عليه وآله) يقول: سمعت الله عز وجل يقول: لا إله إلا الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي. قال: فلما مرت الراحلة نادانا، بشروطها. وأنا من شروطها)؛ «از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می‌فرمود: از پدرم جعفر بن محمد (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) شنیدم که فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: از خدای عز وجل شنیدم که فرمود: لا اله الا الله دژ مستحکم من است، هر کس وارد آن شود از عذاب من در آمان خواهد بود. راوی گوید: هنگامی که مرکب سواری

۲۱. البلد: ۱۱-۱۲

۲۲. الکافی - ط دار الحدیث (الشیخ الكليني)، ج: ۲، ص: ۴۱۰ - تفسیر فرات ج ۱ ص ۵۵۸ - المناقب ج ۲ ص ۱۵۵.

۲۳. إنجیل متی: ۶: ۱۱

۲۴. الکوثر: ۱-۲

حضرت حرکت کرد، (امام - علیه السلام) به ما ندا داد: با شرایط آن، و من از شرایط آن هستم». (۲۵) و به حق به شما می گویم که من از شرایط آن هستم.

به نام امام مهدی (ع) به سوی شما آمده‌ام، و خواسته خویش را دنبال نمی‌کنم بلکه خواسته کسی را خواستارم که مرا فرستاده است، عظمت خود را نمی‌خواهم بلکه عظمت ایشان را خواستارم. و هر کس مرا نپذیرد، کسی که مرا ارسال کرده است را نپذیرفته است. و به درستی که هر کس به فرزند احترام نگذارد به پدری که او را ارسال نموده، احترام نگذاشته است. پدرم امام مهدی (ع) مرا امر به گفتن این کلمات کرده است: (أنا حَجْرِي يَمِينِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَلْقَاهُ فِي يَوْمِ لِيَهْدِي بِهِ سَفِينَةَ نُوحٍ، وَ مَرَّةً لِيُنْجِي إِبْرَاهِيمَ مِنَ نَارِ نَمْرُودَ، وَ تَارَةً لِيُخَلِّصَ يُونُسَ مِنَ بَطْنِ الْحُوتِ، وَ كَلَّمَ بِهِ مُوسَى عَلَى الطُّورِ، وَ جَعَلَهُ عَصَا تَفْلِقِ الْبِحَارِ وَ دَنْجُ لِدَاوُدَ، وَ تَدْرَجَ بِهِ فِي أَحُدٍ، وَ طَوَاهُ فِي يَمِينِهِ فِي صِفِينِ)؛ «من سنگی در دستان علی بن ابی طالب (ع) بودم که روزی آن را انداخت تا کشتی نوح را هدایت کند، و یکبار برای نجات ابراهیم از آتش نمرود، و باری دیگر برای نجات یونس از شکم نهنگ، ارسال نمود. و به وسیله آن با موسی در طور سخن گفت، و آن را عصایی برای شکافتن دریا و سپری برای داود قرار داد، و در احد آن را به عنوان سپری برای خود به کار برد، و در صفین آن را بر دست راستش بست». کسی که گوش دارد بشنود: این جنبنده زمین است که با مردم صحبت می‌کند، و این علی بن ابی طالب (ع) است که می‌بایست بیاید: (إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ)؛ «چون آن سخن بر ایشان محقق گردد، جنبنده‌ای از زمین برایشان بیرون می‌آوریم تا با آنان سخن بگوید که: این مردم به آیات ما یقین نداشتند». (۲۶)

خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که ابلاغ کردم، خداوندا تو خود شاهد باش که من ابلاغ کردم.

بسم الله الرحمن الرحيم

(المص * كِتَابٌ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ ذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ * اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ * وَ كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ * فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ * فَلَنَقْصِنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا غَائِبِينَ * وَ الْأَوْزُنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ مَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ * وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ * وَ لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

۲۵. عیون أخبار الرضا (ع) ص ۱۴۵

۲۶. النمل: ۸۲

اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ * قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ * قَالَ فَبِمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنْبِئَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ * قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْهُورًا لِمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ).

«الف لام میم صاد * کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده پس نباید در سینه تو از ناحیه آن تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد * از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می‌شوید! * چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. * و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند راستی که ما ستمکار بودیم * پس قطعا از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید و قطعا از خود فرستادگان نیز خواهیم پرسید * و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما از احوال آنان غایب نبوده‌ایم * در آن روز میزان حق است پس هر کس میزانهای (عمل) او گران باشد آنان خود رستگارانند * و هر کس میزانهای (عمل) او سبک باشد پس آنان‌اند که به خود زیان زده‌اند چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند * و قطعا شما را در زمین قدرت (عمل) دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم اما چه کم سپاسگزاری می‌کنید * و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس همه سجده کردند جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود * فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی. * فرمود: از آن مقام فرو شو تو را نرسد که در آن جایگاه تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی * گفت: مرا تا روزی که مردم برانگیخته خواهند شد مهلت ده * فرمود: تو از مهلت‌یافتگانی * گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای فریفتن آنان حتماً بر سر راه مستقیم تو خواهم نشست * آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت. * فرمود: مَنفُورٌ مَطْرُودٌ از آن مقام بیرون شو که قطعا هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهیم کرد.»^(۲۷)

صدق الله العلی العظیم. والحمد لله رب العالمین. (۲۸)



تهیه و تنظیم:

صادق شکاری

جمادی الاول ۱۴۴۳ هـ ق

sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com

sadeghshekari.over-blog.com

pinterest.com/almahdyoon

t.me/Sadeghsansary

sadeghshekari.com

sadeghshekari.blog.ir

facebook.com/sadeghshekari10313

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نماید:

almahdyoon.co

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌های سید احمد الحسن \(ع\) همراه با زیرنویس فارسی](#)